**معرفى شخصيت‌هاى ماجراى مباهله:**

**نجران**: سرزمينى دور دست در منتهى اليه شبه جزيره عربستان، در فاصله 1400 کیلومتری جنوب مدینه، در منطقه‌ای بسیار خوش آب و هوا قرار دارد و بسیار سرسبز و خرم است. نجرانيان مردمانی با فرهنگ و تمدن بوده و تنها جامعه مسيحى آن زمان در جزيرة العرب بودند، و از سوى سلاطين مسيحى به شدت حمايت مى‏شدند و امكانات بسيارى نيز در اختيار داشتند. سرزمين نجران در زمان پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله 73 آبادى داشته و نیروی نظامی 120 هزار نفری که از عهده خود بر می‌آمدند و حگومت آنها توسط علمای دینی و اسقف های مسیحی که مردم اعتماد زیادی به آنها دارند اداره می شود.

**ابوحارثه حَصين بن عَلْقمه**: او اسقف اعظم نجران است و قيصر روم احترام خاصى براى وى قائل است و به احترام او در نجران كليساها و مدرسه‏هايى بنا كرده. او عالمترين فردِ نجران و مسئوليت بيت المِدْراس نجرانيان را بر عهده دارد كه محل عبادت و بررسى كتابهاى آسمانى آنان است. 120 سال سن دارد و از پيرى ابروانش را با پارچه‏اى از روى چشمانش جمع مى‏كند.

**سيّد (ابوقُرّه اَهْتَم بن نُعمان):** او مقام دوم نجران پس از اسقف اعظم است و به همين مناسبت لقب «سيد» را به خود اختصاص داده. او هنگام مشكلات و سختى‏ها پناه نجرانيان و تصميم‏گيرنده آنان شمرده مى‏شود. وى در بحث و مناظره بسيار مهارت دارد. جد او از اولين حكّام عرب در نجران شمرده مى‏شود.

**عاقب (ابوواثِله عبدالمسيح بن شَرْحَبيل)**: او مقام سوم نجران شمرده مى‏شود و معاون سيد است و به همين خاطر به او «عاقب» مى‏گویند. عاقب با اينكه در رتبه بعد از اسقف اعظم و سيد قرار دارد ولى عملاً امير نجرانيان و صاحب‏نظر و ركن مشورت‌شان است و تصميم نهايى در همه امور را در دست دارد و هيچ كارى را جز با رأى او انجام نمى‏دهند.

**ابوالمُثَنّى مُنذِر بن علقمه**: او برادر اسقف اعظم است و از صاحب نظران به شمار مى‏آید. او اولین کسی است که از کاروان نجرانیان در مدینه اسلام می آورد. او قبل از سفر به مدینه اخبار اسلام و مسلمانان و پیامبرشان را دنبال می کند و به مرور به آن علاقه مند می شود و با خواندن کتاب انجیل تحریف نشده تمام شکیاتش به یقین مبدل می شود. او شخصیت اصلی و روانی ماست.

 **حارثة بن اُثال**: او از علماى بزرگ مسيحيت به شمار مى‏آید. اصالتاً اهل نجران نیست ولى ساكن آنجا شده. او تسلط کاملی بر کتب آسمانی دارد .

**ابوسَبْره كَرْز بن سبره حارثى**: او رئيس قبيله بزرگ بنى‏الحارث بن كعب و همچنين امير و سرلشكر نجرانيان در جنگها است.

**ابوسعاد جَهير بن سُراقه بارقى**: او از زنديق‌هاى مسيحيان عرب است و توجهى به امور و مبانى دينى ندارد. وى نزد پادشاهان نصرانى منزلت بسيار مهمى دارد و همچنين صاحب فكر و نظر است و در امور سياسى سابقه و مهارت فوق العاده‏اى دارد.

**صَهيب بن سَنان**: او يكى از فرستادگان پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله به نجران است.

**عبداللّه‏ بن اُمَيّه**: او يكى از فرستادگان پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله به نجران است.

**عُتْبَة بن غَزْوان**: او يكى از فرستادگان پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله به نجران است.

**هَدير بن عبداللّه**‏: او يكى از فرستادگان پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله به نجران است.

**عبداللّه‏ بن شَرْحَبيل**: او از عقلاى نجران است و در امور اجتماعى با او مشورت مى‏كنند.

**ابومريم شرحبيل بن وداعه**: او مهمترين فرد نجران در حل و فصل امور اجتماعى به شمار مى‏آید.

**جَبّار بن فيض**: او يكى از صاحبان فكر در امور اجتماعى نجران است.

**كَرْز**: او برادر دیگر اسقف اعظم است كه با كاروان نجران به مدينه می‌رود.

**ابورافع قرظى**: يكى از يهوديان مدينه كه در مناظره با پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله شركت می‌کند.

**كَعْب بن اَشْرف يهودى**: از رؤساى يهود در مدينه است كه نجرانيان با او مشورت می‌کنند.

**منصور يهودى**: از بزرگان يهود در مدينه است كه نجرانيان با او مشورت می‌کنند.

**جامعه و زاجره**: «جامعه» كتابى تشكيل يافته از صحف آدم عليه‏السلام، صحف شيث عليه‏السلام، صحف ابراهيم عليه‏السلام، تورات و انجيل بود. این دو کتاب در دسترس افراد خاصی است و حتی بسیاری از اسقف‌ها و کشیش‌ها به آن دسترسی ندارند و اسقف اعظم و سید و عاقب و کسانی که به آن دسترسی دارند می‌خواهند مردم و بسیاری از علما و راهبه‌ها از محتوای آن که به پیامبر خاتم و امامان بعد از او اشاره کرده اطلاعی نداشته باشند.

**قيصر**: او يكى از سه پادشاه قدرتمند زمان پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله است كه بر اروپا و مستعمرات آن در آفريقا و توابع آن حكومت مى‏كند. او مسيحى است و مركز حكومتش در روم قرار دارد.

**كَسْرى:** او يكى از سه پادشاه قدرتمند زمان پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله است كه بر ايران و توابع آن حكومت مى‏كند و بر دين زرتشت است و مركز حكومتش مدائن است.

**نجاشی**: او يكى از سه پادشاه قدرتمند زمان پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله است كه بر مرکز و شرق آفریقا حکومت می‌کند و مرکز حکومتش حبشه است.

**مسیلمه کذاب**: او شخصی است در یمن که ابتدا به مدینه می‌رود و به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان می‌آورد اما بعد از بازگشت به یمن خود ادعای پیامبری می کند و هوادارانی نیز پیدا می‌کند.

**موقعيت شخصيتهاى ماجراى مباهله :**

رئيس كل اين منطقه اسقف اعظم است كه «ابوحارثه حصين بن علقمه» نام دارد. در مرتبه بعد از او سيد است كه نامش «ابوقره اهتم بن نعمان» و در كنار او عاقب كه نامش «ابوواثله عبدالمسيح بن شرحبيل» است و اين دو نفر از اسقف‌هاى بزرگ نجران هستند.

از نظر نظامى سر لشكر ارتش نجران كرز بن سبره حارثى» است.

شخص ديگرى به نام «جهير بن سراقه بارقى» رياست روابط خارجى نجران را بر عهده دارد كه ارتباط نجران با قيصر روم و پادشاه حبشه و ساير امرا و حاكمان اطراف توسط او انجام مى‏پذيرد. سه نفر به نامهاى «ابومريم شرحبيل بن وداعه هَمدانى» و «جبار بن فيض اَصبَحى» و «عبداللّه‏ بن شرحبيل حارثى» صاحبان فكر و مشاوران اسقف اعظم در امور اجتماعى نجران هستند كه در امور مختلف از رأى و نظر آنان استفاده مى‏شود. ولى آنان از نظر دادن درباره نامه پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله خوددارى می کنند.

نامه پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله خطاب به اسقف اعظم است و طبيعى است كه با رسيدن نامه همه مقامات نجران در تصميم‏گيرىِ آن مورد مشورت قرار گیرند. در اين ميان اسقف اعظم و سيد و عاقب حقانيّت پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله را مى‏دانند ولى آنها براى حفظ مقام خود حاضر به پذيرفتن و اظهار آن نیستند. ابوسبره سرلشكر آنان و ابوسعاد رابط خارجى نيز كارى به مسائل اعتقادى ندارند. اولى با تكيه بر قدرت نظامى و دومى با تكيه بر پشتيبانى قيصر روم و پادشاه حبشه فورا پيشنهاد جنگ و مقابله با پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله را مطرح می کنند.

اسقف اعظم با سياست خاصى سعى می‌کند حل مسئله را از يك سو عمومى كند و از سوى ديگر ماجرا را به آوردن كتب آسمانى بكشاند و در عين حال گرايش خود به اسلام را صريحاً نشان ندهد.

حل كننده اين مشكل شخصى به نام «حارثة بن اُثال» است كه به مقابله با سيد و عاقب می‌پردازد و اسقف اعظم با سكوت خود در مجلس شورا او را تأييد می‌کند و همو است كه پيشنهاد می کند كتاب بزرگ و جامع مسيحيان به نام «جامعه» آورده شود تا اوصاف پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله از آن قرائت شود. مسير داستان تغيير می‌کند و قرار می شود گروهى براى تحقيق به مدينه بروند كه اسقف اعظم و برادران او كرز و منذر همراه اين كاروان هستند. سيد و عاقب نيز به عنوان رؤساى اين نمايندگان حركت می کنند. آنان در مدينه از منصور و كعب بن اشرف يهودى درباره حضرت سؤال می‌کنند. اسقف اعظم با سياست خويش از دخالت مستقيم در مسئله مباهله خوددارى می‌کند و لذا منذر برادر او آنان را متوجه خطر مباهله می کند و از انجام آن باز می‌دارد. سرانجام سيد و عاقب به نمايندگى از بقيه با پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله قرارداد جزيه را می بندند و به نجران باز می‌گردند .